

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ دسمبر ۲۰۲۲

علت چیست، محافظه کاری و یا توافق فکری نهان؟؟

چهارشنبه- ۰۷ جدی ۱۴۰۱- کابل: در یادداشت روز گذشته نوشتم که تعداد زیادی ایمیل و پیامک از دختران هموطن ما دریافت داشته ام که آنها از والدین شان به علت مخالفت و ممانعت از شرکت فعال آنها در تظاهرات و مبارزات به خاطر احقاق حق شان، شاکي بودند و پرسیده بودند علت این مخالفت ها و ممانعت ها چیست و چگونه می توان بر آن غلبه نمود. در یادداشت امروز بحث مختصری در پاسخ به هر دو سوال خواهیم داشت:

تا جایی که من می دانم در پاسخ به دو سوال فوق باید گفت: پاسخ به سوال اول که علت بروز چنین برخوردهایی را پرسیده است شاید تا حدی در حد صلاحیت فکری من باشد، مگر در پاسخ به سوال دوم علی رغم آن که خود را سخت ناتوان احساس می نمایم، باز هم نکاتی را مطرح خواهم نمود، امید به درد بخورند:

۱- این که خانواده ها چرا در این مبارزه در کنار دختران شان ایستاده نشده و آنها را در مبارزات شان تنها می گذارند، یقیناً دلایل گوناگون دارند، از جمله می توان به این دلایل اشاره نمود:

*- توحش لگام گسیخته طالب به خصوص علیه مردان، در اکثر خانواده ها اعم از مردان و زنان، به نحوی ترس و وحشتی را خلق نموده که نمی خواهند به هیچ وجه با طالب در تقابل قرار گیرند، یعنی اکثریت خانواده ها را ناخواسته و نا آگاهانه محافظه کار ساخته است. علی رغم این که اکثر خانواده ها می دانند در چنین شرایطی محافظه کاری به معنای مرگ حرکت و تسلیم در برابر وضعیت فعلی و دوام حاکمیت دار و تازیانه طالب است، خانواده های نمی خواهند با ایستادن در کنار دختران شان برای خود معضل بیافرینند؛

* - بیکاری، فقر و گرسنگی برخاسته از آنها اکثر والدین را که به علاوه دختر و یا دختران خواستار کمک، می باید چندین تن دیگر را نیز اعاشه نمایند، به مثابه یک شلاقی بر بالای سرشان تهدید می نماید. آنها از این می ترسند که هرگاه به مثابه نان آور خانواده در کنار دختران شان بایستند و از مبارزات آنها دفاع نمایند، در صورتی که خود مورد تهاجم طالب و نظام ملاسالار قرار گیرند، باقی فامیل شامل کودکان و پیران و افراد مریض و نیازمند کمک خانواده را چه کسی اعاشه خواهد نمود، اهمیت این نکته زمانی بیشتر درک می گردد که بدانیم اکثریت دختران معترض از پائینترین اقشار زحمتکشان جامعه برخاسته اند و اکثراً فامیل های آنها چنان وابسته به نان آور خانه اند که حتی یک روز نبودنش را نمی توانند تحمل نمایند تا چه رسد به این که با سرنوشت نا معلومی از طرف طالب مواجه گردند؛

* - روند فرار طلبی را که امپریالیسم امریکا و شرکاء حین سپردن حاکمیت به طالب به وجود آوردند، بخش اعظمی از نسل جوان به خصوص مردان جوان را از کشور فراری ساخته، در واقع امپریالیسم امریکا و شرکاء بسیار آگاهانه برای تحکیم قدرت طالب، نخست میدان را برای آنها خالی نموده اند و دتر اکثر خانواده ها اینک که خواهر در میدان مبارزه ایستاده است، با تأسف برادر و یا برادرانش در کشورهای خارج بی سرنوشت روز شماری می نمایند؛

* - با تأسف از یک جانب تحت تأثیر عقیماندگی تاریخی مردم ما در کل و از جانب دیگر تبلیغات گسترده ارتجاع منطقه، اکثریت مردان کشور ما نه تنها تا هنوز نتوانسته اند با وجدان مذهبی شان تصفیه حساب نمایند و یا حد اقل کار زندگانی روزمره را با عقاید دینی و مذهبی شان گره نزنند بلکه بدون آن که بر روی خود بیابوند از لحاظ تفکر، خود طالب بچه ای بیش نیستند، یعنی به علاوه آن که به ارزش علم و تحصیل به خصوص برای زنها در یک جامعه آشنا نیستند، در کل به نحوی با طالب همفکر و هم عقیده بوده، اشتغال زنان در خارج از خانه را حد اقل به نفع خانواده ندیده گویا آن را با شأن و غیرت خانوادگی شان موافق نمی یابند.

۲- و اما این که چگونه می توان بر این معضل غلبه نمود، همان طوری که در سطور بالا نیز نگاشتم به علاوه آن که من کدام نسخه مورد قبولی ندارم فکر نمی کنم کس دیگری هم پیدا شود که با نوشتن آن، گره کور مردم را بگشاید. با آنهم تا جایی که به فکر من می رسد، می باید افراد به خصوص دختران خانواده در گام نخست بکوشند، علت مخالفت خانواده هایشان را دریابند. یعنی بدانند که والدین شان به کدام دلیل و یا دلایل نه تنها از آنها حمایت نمی کنند، بلکه مانع کارشان نیز می شوند.

وقتی این نکته را دریافتند و فهمیدند که چرا رزم شان از طرف خانواده پشتیبانی نمی شود، در آن صورت می توانند جهت کسب پشتیبانی خانواده مبارزه ایدئولوژیک-سیاسی روشنگرانه لازم با خانواده هایشان را آغاز نمایند.
هموطنان گرامی!

این واقعیت را می باید همه ما درک نمائیم که با دوام و بقای طالب نه تنها همه چیز خوب نخواهد شد و بد بختی ها خاتمه نخواهد یافت، بلکه هر روزی که به عمر آنها افزوده می گردد به همان اندازه که آنها میخ قدرت شان را در زمین بیشتر فرو می برند، از یک سو بر بدبختی ما خواهند افزود و از جانب دیگر توقعات نا محود و زیاده خواهی های آن ها گسترده تر خواهد شد. بناءً اگر کسی فکر می کند فشاری که از جانب طالب وارد می شود، سرانجام خاتمه خواهد یافت، با تأسف اشتباه می نماید. چه تجربه تاریخی حاکمیت طالب در دیروز و امروز ثابت ساخته است که طالب با هر قدم عقب نشینی مردم، گامش را جلوتر گذاشته هر چه بیشتر حقوق و آزادیهای مردم ما را سلب نموده است.

اینک که ارتباط سیاست های ضد انسانی امروز طالب، می توانیم مطمئن باشیم عکس العمل آینده طالب را برخورد امروز ما تعیین می نماید، یعنی هرگاه ما امروز در قبال سیاست های طالب محافظه کارانه برخورد نمائیم، خواستها و فشار طالب برای فردا بیشتر خواهد شد، هرگاه امروز مقابل این و یا آن سیاست ضد انسانی و ضد ملی طالب بایستیم و آنها را وادار به عقب نشینی نمائیم، قادر خواهیم شد سیر حرکت آنها به طرف زوال محتوم شان را سرعت ببخشیم. بناءً حمایت امروز ما از حرکت دختران و آن را به یک جنبش مهار ناپذیر عمومی مبدل نمودن، در واقعیت امر نخستین گام مؤثر ما جهت رهائی از دوران وحشت و ترور نظام طالبی می باشد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!